



مقام زن در جهان بینی اسلامی / اسلام نظرات تحقیرآمیز درباره زن را مردود کرد

اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت، نظر تحقیر آمیزی نسبت به زن نداشته و همه نظریات اینگونه را مردود شناخته است.

خبرگزاری مهر- اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت، نظر تحقیر آمیزی نسبت به زن نداشته و همه نظریات اینگونه را مردود شناخته است.

بعد از ظلم‌ها و تعدی بسیار که به زن در طول تاریخ وارد آمد و به بردگی کشیده شد، خورشید درخشان اسلام طلوع کرد و حقوق عادلانه ای به او بخشید و ظلم‌ها و ستم‌هایی که گریبانگیرش شده بود از او دور نمود. زن را از قید اسارت و بندگی آزاد کرد و با او رفتاری کاملاً انسانی و شایسته انجام داد و درجه‌اش را عالی گردانید.

حقوق کاملی که به هیچوجه نقصی در آن نیست به او بخشید. از زندگی و آزادی و بزرگواریش دفاع نمود و عدالت و دادگری را درباره او آنچنان که شایسته انسان‌های آزاده و بزرگوار و شرافتمند در متمدن‌ترین دوران تمدن بشری است، انجام داد. اسلام زن را از تمام بی‌عدالتی‌ها نجات داد و با او رفتاری کاملاً منصفانه و احترام انگیز و ارزشمند و جلال انگیز داشت.

حقوق کامل زن به عنوان زن، دختر، همسر و یا مادر جز در دین مقدس اسلام به او داده نشده است. اسلام در چهارده قرن پیش حق زندگی، ارث بری، مالکیت و تعلیم به زن مسلمان داد.

اما خداوند که در ملکش عزیز بوده و در آنچه برای مخلوقات خود پیش بینی کرده حکیم است و می‌فرماید: مردان را بر زنان حق تسلط و سرپرستی است به واسطه آن برتری (نیرو و عقل) که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند.

یکی از وظایف مردان رسیدگی به امور زنان است، زیرا برای خانواده سرپرستی لازم است که کارهای خانه را اداره نماید. مردان را به چند چیز برتری داده است؛ از قبیل قدرت و استعداد مرد برای کارهای مهم و مرد را برای رسالت‌ها و پیامبری و رهبری جنگ‌ها و ... اختصاص داد. مهریه و مخارج خانواده بر عهده مرد گذاشته شده است.

زن مسلمان شوهردار آزاد است در ثروتش آن طور که مایل است در حد قانون دخل و تصرف نماید. حق دارد آنچه را دارد بفروشد آنچه را که اراده کند بخرد و می‌تواند بدون دخالت دیگران قراردادی را منعقد کند. دین مبین اسلام به زن اجازه مالک شدن را داده و او می‌تواند وکیل دیگران هم باشد و نصیب و روزی خود را طلب کند و در کاری که انتخاب می‌کند استخدام شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: مرد و زن هر دو از یک جنس واحد هستند و جز با تقوا و پرهیزگاری و کارهای نیکو فرق بین آنها نیست. خداوند کارهای هیچ کدام را ضایع نمی‌کند.

دین مبین اسلام عادلانه با زن رفتار کرده و به او کمال محبت و بذل توجه را نموده و کوچکترین حق او را مورد غصب و پایمال شدن قرار نداده است، خواه در نقش دختر باشد یا همسر و یا مادر.

در قانون فرانسه آمده که زن بدون اجازه و رضای شوهرش نمی‌تواند قراردادی را منعقد کند، در حالی که اسلام زنان را مانند مردان حق تصرف در املاک شان برای خرید و فروش و رهن عطا کرده است. اسلام نسبت به زن عدالت و انصاف را رعایت کرده است، حقوق کامل وی را به او می‌بخشد. بزرگواری و شرافتنش را حفظ می‌کند. او را در مقامی عالی و شایسته شانش قرار می‌دهد. از او جانبداری و از حقوقش دفاع می‌کند.

اسلام جهاد و کار و کسب روزی و همکاری با شوهر را بر او حلال کرد اما اسلام تنها چیزی که از زن می‌خواهد که او خودش را محافظت و زینتهایش را آشکار نکند تا گرامی، باوقار، بزرگوار و مصون بماند.

مقام زن در جهان بینی اسلامی

قرآن تنها مجموعه قوانین نیست. محتویات قرآن صرفاً یک سلسله مقررات و قوانین خشک بدون تفسیر نیست. در قرآن، هم قانون است و هم تاریخ و هم موعظه و هم تفسیر خلقت و هم هزاران مطلب دیگر. قرآن همان طوری که در مواردی به شکل بیان قانون دستورالعمل معین می کند در جای دیگر وجود و هستی را تفسیر می کند از جمله مسائلی که در قرآن کریم تفسیر شده موضوع خلقت زن و مرد است. قرآن در این زمینه سکوت نکرده و به یاقوه گویان مجال نداده است که از پیش خود برای مقررات مربوط به زن و مرد فلسفه بتراشند و مبنای این مقررات را نظر تحقیر آمیز اسلام نسبت به زن معرفی کنند.

اسلام، پیشاپیش نظر خود را درباره زن بیان کرده است. اگر بخواهیم ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست لازم است به مسئله سرشت زن و مرد که در سایر کتب مذهبی نیز مطرح است، توجه کنیم، قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است. باید ببینیم قرآن زن و مرد را یک سرشتی می داند یا دو سرشتی، یعنی آیا زن و مرد دارای یک طینت و سرشت می باشند و یا دارای دو طینت و سرشت؟ قرآن با کمال صراحت در آیات متعدد می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن درباره آدم اول می گوید: " همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم."

در قرآن از آنچه در بعضی از کتاب های مذهبی است که زن از مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنبه طفیلی و چپی داده اند و گفته اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف او چپ آفریده شده، اثر و خبری نیست و در اسلام نظریه تحقیر آمیز نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که در گذشته وجود داشته و در ادبیات جهان آثار نامطلوبی به جا گذاشته است این است که زن عنصر گناه است، از وجود زن شر و وسوسه بر می خیزد. زن شیطان کوچک است. می گویند در هر گناه و جنایتی که مردان مرتکب شده اند زنی در آن دخالت داشته است. می گویند مرد در ذات خود از گناه مبرا است و این زن است که مرد را به گناه می کشاند. می گویند شیطان مستقیماً در وجود مرد راه نمی یابد و فقط از طریق زن است که مردان را می فریبد.

قرآن داستان بهشت آدم را مطرح کرده، ولی هرگز نگفته که شیطان یا مار، حوا را فریفته و حوا آدم را. قرآن نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می کند و نه او را از حساب خارج می کند. به این ترتیب قرآن با یک فکر غلط رایج آن عصر و زمان که در هنر هم درگوشه و کنار جهان نشانی از آن است سخت به مبارزه پرداخت و جنس زن را از این که عنصر وسوسه و گناه و شیطان کوچک است، مبرا کرد.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته در ناحیه استعداد های روحانی و معنوی زن است؛ می گفتند زن به بهشت نمی رود، زن مقامات معنوی والهی را نمی تواند طی کند، زن نمی تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می رسند، برسد. قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد و یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد کرده است. اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنان ناشایسته برای شوهرانشان ذکر می کند، از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است، غفلت نکرده است گویی قرآن خواسته است در داستانهای خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستانها را منحصر به مردان ننماید.

قرآن درباره مادر موسی می گوید: ما به مادر موسی وحی فرستادیم کودک را شیر بده و هنگامی که بر جان او بیمناک شدی او را به دریا بیفکن و نگران نباش که ما او را به سوی تو باز پس خواهیم گردانید.

قرآن درباره حضرت مریم مادر عیسی می گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائک با او سخن می گفتند و گفت و شنود می کردند، از غیب برای او روزی می رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش در حیرت فرو برده بود و او را پشت سر گذاشته بود. زکریا در مقابل مریم مات مبهوت مانده بود.

در تاریخ خود اسلام زنان عالیه قدر فراوان است. کمتر مردی است به پای حضرت خدیجه می رسد، و هیچ مردی جز پیغمبر (ص) و حضرت علی(ع) به پایه حضرت زهرا (س) نمی رسد. حضرت زهرا به فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم انبیاء برتری دارد. اسلام در سیر "من خلق الی الحق" یعنی حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. تفاوتی که اسلام قائل است در سیر "من الحق الی الخلق" است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری است که مرد را برای این کار مناسب تر دانسته است.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته مربوط به ریاضت جنسی و تقدس تجرد و غروب است. چنانچه می دانیم در برخی آیین ها رابطه جنسی ذاتاً پلید است. به عقیده پیروان آن آیین ها تنها کسانی به مقامات معنوی نایل می گردند که همه عمر خود مجرد زیست کرده باشند. یکی از پیشوایان مذهبی جهان می گوید: " با تیشه بکارت درخت ازدواج را از بن برکنید " همان پیشوایان ازدواج را فقط از جنبه دفع افسد به فاسد اجازه می دهند؛ یعنی مدعی هستند که چون غالب افراد قادر نیستند صبر کنند و

اختیار از کفشان ربوده می شود و گرفتار فحشا می شوند و با زنان متعددی تماس پیدا می کنند، پس بهتر است ازدواج کنند تا با بیش از یک زن در تماس نباشند. ریشه افکار ریاضت طلبی و طرفداری از مجرد و غروبت بدبینی به جنس زن است؛ محبت زن را جزء مفاسد بزرگ اخلاقی به حساب می آورند. اسلام با این خرافه سخت نبرد کرد؛ ازدواج را مقدس و مجرد را پلید شمرد.

اسلام دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیاء معرفی کرد و گفت: "من اخلاف الانبیاء حب النساء". پیغمبر اکرم می فرمود: به سه چیز علاقه دارم: بوی خوش، زن و نماز.

برتراند راسل می گوید: در همه آیین ها نوعی بدبینی به علاقه جنسی یافت می شود مگر در اسلام؛ اسلام از نظر مصالح اجتماعی حدود و مقرراتی برای این علاقه وضع کرده اما هرگز آن را پلید نشمرده است. یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که درباره زن وجود داشته این است که می گفته اند زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است. اسلام هرگز چنین سخنی ندارد. اسلام اصل علت نمایی را در کمال صراحت بیان می کند.

اسلام با صراحت کامل می گوید زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده است. اسلام می گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند. زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها. اگر قرآن زن را مقدمه مرد و آفریده برای مرد می دانست قهرا در قوانین خود این جهت را در نظر می گرفت، ولی چون اسلام از نظر تفسیر خلقت چنین نظری ندارد و زن را طفیلی مرد نمی داند، در مقررات خاص خود درباره زن و مرد به این مطلب نظر نداشت است.